

کمک اقتصادی و توسعه



★ ترزا هایتر

★ ترجمه: مهدی تقوی

۱ - مفاهیم اولیه

"کمک اقتصادی" هرگز یک انتقال بی قید و شرط منابع مالی نبوده است. غالباً شرایط ارائه کمک اقتصادی "مستقیماً" و به وضوح حافظ منافع دولتهایی است که کمک اقتصادی را ارائه می نمایند. برای مثال، کمک اقتصادی عموماً باید به مصرف خرید کالا و خدمات از کشور کمک دهنده برسد. کمک اقتصادی ارائه شده به وسیله ایالات متحده آمریکا باید به وسیله کشتیهای آمریکایی حمل شود. کمکهای اقتصادی ایالات متحده آمریکا، بنا بر اصلاحیه هیکن لوپر در اختیار کشورهایی که اموال متعلق به مردم ایالات متحده آمریکا را ملی کرده یا در مدت زمان ۶ ماه بعد از ملی کردن اقدامات لازم را انجام نداده اند، قرار نمی گیرد.^۲ کمکهای بانک جهانی، بر حسب

سیاست داخلی بانک، که انتشار نیز نیافته است، به کشورهایی که داراییهای خارجی را ملی کرده و غرامت آن را نپرداخته اند، یا کشورهایی که بدهیهای خود را به سایر کشورها نپرداخته اند و یا اینکه تعهدات انجام نشده ای در مقابل سرمایه گذاران خارجی دارند که به عقیده بانک باید تسویه گردند، داده نمی شود. به طور کلی کمک اقتصادی به کشورهایی داده می شود که سیاست داخلی، سیاست خارجی، رفتار با سرمایه گذاران خصوصی خارجی، پرداخت بدهیها، سیاست صادرات و غیره آنها به نظر کشورها یا نهادهای بین المللی ارائه کننده کمک مطلوب، بالقوه مطلوب یا حداقل مورد قبول تصور گردیده و هیچ خطری برای منافع اینان دربر نداشته باشد. پاره ای از شرایط اعطای وام از نظر نیاز

به افزایش نرخ توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌نیافته قابل توجه می‌باشند. آنان که از اعطای کمک اقتصادی پشتیبانی می‌کنند، بحث می‌نمایند که توسعه کشورهای فقیر جهان در بلندمدت به نفع کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد. بنابراین، کشورهای توسعه‌یافته باید کوشش نمایند تا کشورهای فقیر توسعه یابند.^۳ هدف توسعه را می‌توان به اشکال مختلف تفسیر نمود؛ شکلی از توسعه در کشورهای فقیر احتمال دارد، به نفع کشورهای غنی بوده یا حداقل در جهت منافع این کشورها باشد. سایر اشکال توسعه به نفع کشورهای غنی نبوده یا حداقل مقامات رسمی تصور می‌کنند که نمی‌باشد. مسئله کمک اقتصادی به علت ابهام در مورد هدف آن همواره مبهم بوده و خواهد بود. حتی اگر فرض کنیم که بهبود کلی استاندارد زندگی هدف اعطاکنندگان کمک می‌باشد، هنوز هم می‌توان بحث کرد که کشورهای توسعه‌یافته باید بکوشند تا منابع مالی که به سایر کشورها انتقال می‌دهند در جهت افزایش رفاه در کشورهای در حال توسعه مصرف شده و برای مثال به حسابهای پاره‌ای از بانکهای سوئیس منتقل نمی‌گردند. بخصوص که کمک که به سایر کشورها منتقل می‌گردد، می‌تواند در کشورهای صنعتی به مصارف بهتری برسد.

این اصل پاره‌ای از مواقع در نظر گرفته شده است. برای مثال، از این اصل برای توجیه ارائه کمک به شکل وام و نه کمک استفاده شده است. چرا که ارائه وام دیسپلین مالی را در

کشورهای در حال توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌نیافته قابل توجه می‌باشند. آنان که از اعطای کمک اقتصادی پشتیبانی می‌کنند، بحث می‌نمایند که توسعه کشورهای فقیر جهان در بلندمدت به نفع کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد. بنابراین، کشورهای توسعه‌یافته باید کوشش نمایند تا کشورهای فقیر توسعه یابند.^۳ هدف توسعه را می‌توان به اشکال مختلف تفسیر نمود؛ شکلی از توسعه در کشورهای فقیر احتمال دارد، به نفع کشورهای غنی بوده یا حداقل در جهت منافع این کشورها باشد. سایر اشکال توسعه به نفع کشورهای غنی نبوده یا حداقل مقامات رسمی تصور می‌کنند که نمی‌باشد. مسئله کمک اقتصادی به علت ابهام در مورد هدف آن همواره مبهم بوده و خواهد بود. حتی اگر فرض کنیم که بهبود کلی استاندارد زندگی هدف اعطاکنندگان کمک می‌باشد، هنوز هم می‌توان بحث کرد که کشورهای توسعه‌یافته باید بکوشند تا منابع مالی که به سایر کشورها انتقال می‌دهند در جهت افزایش رفاه در کشورهای در حال توسعه مصرف شده و برای مثال به حسابهای پاره‌ای از بانکهای سوئیس منتقل نمی‌گردند. بخصوص که کمک که به سایر کشورها منتقل می‌گردد، می‌تواند در کشورهای صنعتی به مصارف بهتری برسد.

تضمین نمی‌نماید، این دولت را از تأمین مالی سایر طرح‌هایی که کمک‌دهنده تأیید نمی‌کند، باز نمی‌دارد، شاید قدرت انجام این کار را نیز به دولتها می‌دهد، بجز در چند کشوری که پس‌انداز بسیار کم است، در عمل کمک امکان دارد صرف تأمین مالی طرح‌های کم اهمیت‌تر گردد.^۶ از این گذشته سیاست عمومی اقتصادی دولت شاید از انتخاب طرح‌ها اثر بیشتری داشته باشد. بنابراین، اگر از کمک برای اثر گذاردن روی سیاست‌های اقتصادی دولت استفاده شود، شاید بتواند به عنوان یک رابط باعث افزایش نرخ توسعه گردیده یا باعث طرح سیاست‌هایی که توسعه را امکان‌پذیر ساخته یا از جهات دیگر اهمیت دارند، گردد. بحث می‌شود که قید و شرط کمک‌دهنده باید تضمین نماید که کمک‌گیرنده از کمک به شکل فوق استفاده می‌نماید.

اگر کوشش گردد که از کمک به این شکل استفاده شود، سه شق پیش خواهد آمد. امکان دارد مؤسسه‌ای که کمک‌دهنده است با دولت کمک‌گیرنده توافق ننموده و تصمیم بگیرد که سیاست‌های این دولت به اندازه‌ای غیرمطلوب است که مؤسسه حاضر به ارائه کمک نمی‌باشد، یا کمک را متوقف کرده و یا کمک توافق شده را کاهش دهد.^۷ مؤسسه می‌تواند با دولت وام‌گیرنده توافق کرده و کمک برای اینکه دولت مزبور بتواند سیاست‌هایش را اجرا کند، ارائه نموده و شاید پاره‌ای پیشنهاد و اصلاحات نیز ارائه نماید.^۸ یا می‌تواند برای تغییر سیاست‌های

دولت کمک‌گیرنده بکوشد، این کار عموماً در کشورهایی که به نظر می‌رسد که عوامل مطلوب بسیاری وجود دارند که حمایت از پاره‌ای از طرح‌ها را در مقابل سایر طرح‌ها مطلوب می‌نمایند می‌تواند انجام پذیرد در این صورت کمک‌دهنده برای بهبود کل برنامه دولت خواهد کوشید^۹، در دو حالت اول، تصمیم کمک‌دهنده تنها با تخصیص کمک سر و کار دارد، در حالت آخر مؤسسه یا مؤسسات کمک‌دهنده برای طرح راه‌حل‌ها و سیاست‌ها برای کشور کمک‌گیرنده و تشویق دولت کمک‌گیرنده برای بکارگرفتن آنها می‌کوشند. البته این دو با یکدیگر مرتبط می‌باشند. یک ویژگی مهم تصمیم در مورد تخصیص منابع اثری است که این تصمیم انتظار می‌رود روی سیاست‌های طرح شده به وسیله سایر دولتهایی که می‌خواهند کمک بگیرند، می‌گذارد، همان طور که بعداً خواهیم دید واضح است که چند نوع سیاست‌های اقتصادی محتملاً با فرض ثابت بودن عوامل سیاسی و عوامل دیگر، که ثابت نیستند، مورد تأیید مؤسسه یا مؤسسات وام‌گیرنده قرار خواهد گرفت. اما اهمیت روزافزونی به اعمال مثبت‌تر که باعث تغییر سیاست‌های دولت کمک‌گیرنده در حالت سوم می‌شود، داده شده است.

آن گروه که از سیاست‌های فوق پشتیبانی می‌کنند، عموماً ادعا می‌نمایند که انتخاب سیاست اقتصادی یک امر فنی است که در مورد آن گروهی که از عقل سلیم برخوردارند، می‌توانند توافق نمایند. آنان بحث می‌کنند

که مؤسسات کمک‌دهنده بخصوص مؤسسات بین‌المللی می‌توانند در این مورد تصمیمات عینی، آزاد از هرگونه تعصب سیاسی اتخاذ نمایند^{۱۰}، و غالباً برای آنها اخذ چنین تصمیماتی و پافشاری برای قبولاندن آنها، بسیار ساده‌تر از دولتهایی است که درگیر مسائل سیاسی داخلی می‌باشند. وظیفه‌ایان، به عقیده این گروه، ارائه واقعیت‌گرایی اقتصادی که کشورهای کمک‌گیرنده فاقد آن می‌باشند و تقویت گروهی که با نظرات آنان موافق هستند، می‌باشد.

گاه تصور می‌شود که به سیاستهای اقتصادی برتر از طریق مباحثه و گفتگو بین دولت و مؤسسات کمک‌دهنده و از طریق درگیری نزدیک کمک‌دهنده با انتخاب سیاستهای اقتصادی در کشور کمک‌گیرنده می‌توان دست یافت، اما کمک نباید با شرط اینکه همواره دولت کمک‌گیرنده با تصمیمات مؤسسات کمک‌دهنده موافقت نماید، داده شود^{۱۱}، اما قید و شرط گذاردن برای ارائه کمک اقتصادی، در حال حاضر در ذات سیاستهای مؤسسات کمک‌دهنده‌ای است که با سیاستهای کلی اقتصادی کشورهای در حال توسعه سروکار دارند. این مؤسسات بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و مؤسسه بین‌المللی توسعه ایالات متحده آمریکا می‌باشند^{۱۲}.

این سه مؤسسه (که از این به بعد آنها را مؤسسات بین‌المللی خواهیم خواند) در حال حاضر به شدت درگیر تعیین شرایط عمومی

عملکرد برای استفاده از منابعشان می‌باشند. این مؤسسات بر اساس دانش کم و نشریات محدود درباره نظرات آنها درباره توسعه و روش آنها در برانگیختن کشورهای در حال توسعه برای تطبیق نظرات خود، بسیار مورد احترام کشورهای توسعه‌یافته می‌باشند. در امریکای لاتین بخصوص، در مورد سیاستهای صندوق بین‌المللی پول بحث فراوانی وجود دارد و این بحثها تا حدودی روی سیاستهای صندوق اثر گذارده‌اند. در مورد فعالیتها و عقاید و نظرات بانک جهانی اطلاعات بسیار کمی در دست است. بخصوص در مورد این مسئله که بانک جهانی و مؤسسه بین‌المللی توسعه همان سیاستهایی را که صندوق بین‌المللی پول در امریکای لاتین پی‌گیری می‌کنند، دنبال می‌کنند، آگاهی بسیار کم است. از این گذشته مطالب بسیار محدودی درباره عملیات واقعی این سه مؤسسه بین‌المللی انتشار یافته است^{۱۳} مذاکرات در مورد تطبیق سیاستهایشان به طور بسیار محرمانه انجام می‌گیرد و مسئله بسیار حساس است.

اگرچه احتمالاً عامل بازدارنده بیشتر در خارج از این مؤسسات وجود دارد، اما معذالک در کشورهای توسعه‌یافته فرض می‌شود که استفاده از کمک اقتصادی برای اثر گذاردن روی سیاستهای کشورهای در حال توسعه به هر شکلی که باشد، ضروری و مطلوب بوده و در پاره‌ای از آنها اجتناب‌ناپذیر است، اما درباره این مسئله بدین شکل بحث زیادی انجام

مؤسسه بین‌المللی توسعه و بانک جهانی را دربر نمی‌گیرد. حاصل بررسی نشان می‌دهد که تصور من و گروهی دیگر درباره مسئله تا حدی نادرست بوده است.

سیاستها، منطق و روشها

بانک جهانی و مؤسسه بین‌المللی توسعه ایالات متحده آمریکا به اثر گذاردن روی سیاستهای ماکرواقتصادی کشورهای آمریکای لاتین به تازگی توجه نموده‌اند. آنان در این زمینه صندوق بین‌المللی پول را دنبال می‌کنند. درگیری بانک جهانی، مؤسسه بین‌المللی توسعه و صندوق بین‌المللی پول در این مسئله از طریق فرایندهای متفاوتی جلوه‌گر می‌گردد و روش قبولاندن راه‌حل‌هایشان نیز با هم تفاوت دارد. معذالک هر سه مؤسسه در حال حاضر به طور بسیار نزدیکی با یکدیگر کار می‌کنند و غالباً گفته می‌شود که هر یک نظرات مختص خود را دارد. این سه مؤسسه و نه مؤسسه دیگری در سیستم آمریکایی، عملاً با دولتهای کشورهای آمریکای لاتین در مورد سیاستهای کلی اقتصادی و رابطه دادن منابع مالی که قرار است به عنوان کمک در اختیار این کشورها قرار داده شود با بکار گرفتن سیاستهای خاصی مذاکره می‌کنند.

این حقیقت دارد که انگاره ارتباط دادن کمک با عملکرد قبلاً به عنوان یک اصل پذیرفته شده در چارچوب همکاری برای پیشرفت پس از انقلاب کوبا پا گرفته بود. عهدنامه‌ای که

نگرفته است^{۱۴}، اما درباره، مطلوب بودن سیاستهای بخصوصی برای توسعه و تغییرات بیشمار در نظریات و سلیقه‌ها بسیار بحث شده است. علاوه بر این، ارتباط نظریه‌های اقتصادی که در کشورهای صنعتی ارائه شده‌اند با مسائل جاری کشورهای در حال توسعه و قدرت اقتصاددانانی که در غرب آموزش دیده‌اند، در حل این مسائل و مشکلات مورد پرسش قرار گرفته است^{۱۵}.

بررسی ما در این سری مقالات برای نظریه پایه گرفته است که، اگر این انگاره یعنی ارائه کمک با قید و شرط را آنان که از کمک پشتیبانی می‌کنند، قبول نمایند، مسئله باید دقیقاً بررسی گردد. برای کمک به این بحث، ما در بررسی خود کوشش می‌نماییم تا عملیات بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و مؤسسه بین‌المللی توسعه را در آمریکای لاتین توصیف نماییم^{۱۶} آمریکای لاتین منطقه‌ای است که مسائل با شدت ویژه‌ای در آن تجلی می‌کنند، این مسئله سه دلیل دارد:

۱- پیچیدگی نسبی اقتصاد کشورهای آمریکای لاتین
۲- فوری و آنی بودن مشکلات اقتصادی و مالی

۳- اهمیت واضح مسائل سیاسی و اجتماعی
بررسی ما تنها به کوشش مؤسسات بین‌المللی در اثر گذاردن روی سیاستهای اقتصادی کشورهای کمک‌گیرنده مربوط می‌شود و مسائلی مانند تأمین مالی طرحها به وسیله

فرستاده می‌شود. بانک جهانی و بانک توسعه امریکایی، مؤسسه بین‌المللی توسعه و صندوق بین‌المللی پول در جلسات کمیته مزبور نماینده دارند.

اما با وجود تمام تلاش امریکای لاتین به کمیته امریکایی همکاری برای پیشرفت قدرت کنترل تخصیص منابع مالی وارده که شامل کمک ایالات متحده امریکا، که از نظر ثنوری باید تحت نظر این کمیته داده شود، داده شده است. بنابراین جلسات این کمیته، چیزی بیشتر از یک کانال ارتباطی یا حداکثر جلساتی برای هماهنگی نظرات دولت‌های امریکای لاتین و مؤسسات کمک‌دهنده نمی‌باشد. عملاً دولت‌ها باید مستقیماً با مؤسسات طرف‌گردند. با وجود امیدها و خوش‌بینی‌هایی که گه‌گاه در این مورد که بانک امریکایی توسعه در جهت هدف‌های کمیته امریکایی همکاری برای پیشرفت عمل می‌کند، این بانک نشان داده است که از تعیین سطح عملکرد عمومی به جای شرایط طرح‌ها به عنوان معیار استفاده از منابعش، استفاده نمی‌کند و نظراتی که در مورد سیاست‌های توسعه ارائه می‌نماید، غالباً ماهیتی کلی و تشویق‌کننده دارند. بنابراین تنها مؤسساتی که نظر آنان درباره سیاست‌های کلی اقتصادی امکان دارد دسترسی دولت‌های امریکای لاتین به کمک‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد، بانک جهانی، مؤسسه بین‌المللی توسعه و صندوق بین‌المللی پول می‌باشند. یک کشور امریکای لاتین که امیدوار به دریافت کمک

به وسیله ایالات متحده امریکا و تمامی کشورهای امریکای لاتین بجز کوبا در سال ۱۹۶۱ امضا گردید، شامل تعهد ایالات متحده امریکا در مورد ارائه منابع بیشتر به کشورهای امریکای لاتین و تعهد کشورهای امریکای لاتین در مورد سرمایه‌گذاری این منابع، اصلاح ساختمان مالیاتی و سیستم مالکیت زمین، بهبود بهداشت، وضع مسکن و آموزش بود. گروه نه نفری که شامل اقتصاددانان ایالات متحده امریکا و کشورهای امریکای لاتین بود برای بررسی برنامه‌های توسعه کشورهای امریکای لاتین تشکیل گردید. در سال ۱۹۶۳ شورای اقتصادی و اجتماعی کشورهای امریکایی با خلق کمیته امریکایی همکاری برای پیشرفت نفیوت گردید. هدف از خلق کمیته، ایجاد همکاری چندجانبه برای پیشرفت بود. در سال ۱۹۶۶ کوشش برای ترکیب و ادغام گروه نه نفری در کمیته مزبور، به منظور کنترل فعالیت‌های گروه باعث استعفای اعضای گروه گردید. اما کمیته امریکایی همکاری برای پیشرفت در حال حاضر نمایندگان پر قدرتی از امریکای لاتین داشته و تا حدودی از خود استقلال عقیده و نظر نشان داده است. کمیته مزبور، سیاست‌های دولت‌های امریکای لاتین را بررسی کرده و اجازه دارد که در مورد نیاز به کمک اقتصادی و تخصیص این کمک‌های کشورهای مذکور را راهنمایی کند. توافقی انجام شده بین مؤسسه بین‌المللی توسعه و دولت‌های امریکای لاتین در مورد کمک و سیاست‌های اقتصادی رسماً به کمیته مزبور

بر اساس عملکرد خوب در مسائل اقتصادی است باید با صندوق بین‌المللی پول به توافق برسد. در باره‌ای از کشورها، بانک جهانی و مؤسسه بین‌المللی توسعه، به صندوق بین‌المللی پول برای ارزیابی عملکرد دولت‌ها متکی می‌باشد و پشتیبانی خود را از کمک اقتصادی مشروط به توافق کشور مورد نظر با صندوق بین‌المللی پول می‌نماید. گاه، مؤسسه بین‌المللی توسعه برای دولت‌ها مشخص می‌کند که کدام یک از شرایط صندوق بین‌المللی پول از نظریه اهمیت داشته و کدام بی‌اهمیت می‌باشند. بانک جهانی ادعا کرده است که او به عنوان واسطه‌ای بین دولت‌ها و صندوق بین‌المللی پول عمل می‌کند اما در حالتی که بانک جهانی و یا مؤسسه بین‌المللی توسعه نظرات صندوق بین‌المللی پول را قبول نکرده یا خود در مورد سیاست‌های مطلوب ماکرو اقتصادی نظراتی داشته باشند، هدف همیشه این است که این سه مؤسسه باید قبل از انجام مذاکره با دولت‌های کمک‌گیرنده با هم توافق نمایند. صندوق بین‌المللی پول همواره مذاکره‌کننده اصلی است، اما بر حسب اوضاع و احوال و شخصیت‌های درگیر در مذاکره، ماهیت تقاضای صندوق ممکن است حاصل نظرات خود یا فشار یک یا چند مؤسسه دیگر باشد. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که با هم در یک ساختمان در واشنگتن قرار دارند و یک نشریه مشترک به اسم مالیه و توسعه منتشر می‌نمایند، برای مشاوره در مورد این مسائل ترتیبات نیمه‌رسمی

اتخاذ نموده‌اند^{۱۶}، در سفارت امریکا در کشور کمک‌گیرنده گاه جلسات مباحثه‌ای نیز بین هیئت‌های اعزامی از این سه مؤسسه تشکیل می‌گردد.

چنین همکاری‌هایی با در نظر گرفتن این حقیقت که بین این سه مؤسسه در مورد سیاست‌های اقتصادی که برای کشورهای امریکای لاتین حیاتی می‌باشند و پیش‌نیاز توسعه اقتصادی بوده و برای توسعه این کشورها ضروری هستند، توافق وجود دارد، ساده‌تر می‌گردد.

جداز فعالیتهای وام‌دهی برای طرح‌ها به وسیله بانک جهانی و مؤسسه بین‌المللی توسعه، هر سه مؤسسه روی عملکرد سیاست‌های پولی و مالی کشور کمک‌گیرنده که همیشه صندوق بین‌المللی پول با آن سر و کار داشته است، تأکید دارند. بر سیاست‌هایی که ثبات مالی و پولی را تضمین کرده و یا محدودیت‌های ارزی وارداتی و کنترل قیمت‌ها را از میان می‌برد، تأکید بخصوصی می‌گردد، با وجود تقاضا برای برنامه‌ریزی و به ویژه سرمایه‌گذاری بخش دولتی هدف اصلی اتکا به مکانیزم بازار برای رسیدن به رشد اقتصادی می‌باشد. اما مؤسسات همواره کوشیده‌اند تا دولت‌ها را وادارند که سیاست‌هایی را در پیش‌گیرند که به عقیده مؤسسات ثبات پولی و مالی را تضمین می‌نمایند.

چنین مسائلی نه تنها در مذاکره با صندوق بین‌المللی پول، بلکه در تمامی مذاکرات اهمیت فراوانی دارند. این مسائل باعث بوجود آوردن شرایط اصلی که مؤسسات بین‌المللی بر

آنها تأکید می‌کنند، می‌گردند. در کشورهایی که مشکل تراز پرداختهای خارجی و تورم وجود ندارد برای مثال مانند پاره‌ای از کشورهای امریکای مرکزی و کنترل اقتصادی نیز وجود ندارد. مؤسسات بین‌المللی به طور کلی با سیاستهای موجود موافق می‌باشند، اگرچه بانک جهانی و مؤسسه بین‌المللی توسعه گاه نیز مسائلی مانند سیاستهای سرمایه‌گذاری، سیاستهای مالیاتی و مسئله تأمین مالی طرحها را نیز در نظر می‌گیرند. در کشورهایی که با مشکلات فوق دست به گریبان‌اند، هدف اصلی مؤسسات بین‌المللی عموماً محدود کردن سطح عمومی تقاضاست. کسر بودجه و مازاد در خلق اعتبار، عوامل بوجود آورنده تورم فرض می‌شوند. برحسب سنت، صندوق بین‌المللی پول برای از میان برداشتن این مشکلات از طریق کنترل عرضه پول عمل می‌کند. از دولت‌ها نیز انتظار می‌رود که کسری حساب عمومی خود را با کاهش یا محدود کردن هزینه‌های اداری و هزینه‌های غیرمولد و افزایش درآمد، و یا حتی اگر ضروری باشد با کاهش سرمایه‌گذاری‌های دولتی، کاهش دهند. برای تضمین محدودیت افزایش حقوق و دستمزد در بخشهای خصوصی و دولت و گاه برای کاهش کمک دولت به مؤسسات دولتی نیز کوشش می‌گردد. از آنجایی که مؤسسات بین‌المللی مجبورند مقداری تورم را تحمل نمایند، گاه نیز اینان برای تقلیل ارزش پول به عنوان وسیله‌ای برای کاهش کسری تراز پرداختها و

افزایش صادرات به کشورهای کمک‌گیرنده فشار می‌آورند. برنامه‌ها عموماً شامل سیاستهایی برای حذف اختلالات موجود در سیستم قیمت به ویژه از طریق از بین بردن کنترل قیمت مواد غذایی یا تقلیل ارزش پول، می‌باشند. عموماً از کشورهای کمک‌گیرنده خواسته می‌شود تا کنترل بر واردات و نقل و انتقال سرمایه را یا از میان برداشته یا تقلیل داده و نرخ ارز را یک نرخ واحد نموده و حمایت را کاهش دهد.^{۱۷} بانک جهانی و مؤسسه بین‌المللی توسعه گاه برای اجرای سیاستهای بخصوصی مذاکرات جداگانه‌ای انجام می‌دهند، اما نظریاتشان در آخر کار تقریباً مشابه می‌گردد. بانک جهانی^{۱۸} با فرض اینکه به علت اینکه طرحهای بخش دولت را تأمین مالی می‌کند، بیشتر به سطح پسانداز دولت و کیفیت و جهت برنامه سرمایه‌گذاری دولت توجه می‌نماید. این بانک می‌خواهد مطمئن گردد که هزینه سرمایه‌گذاری دولت از پسانداز و نه از وامهای کوتاه مدت و انتشار پول تأمین می‌گردد. معیار اصلی بانک در حال حاضر برای ارزیابی عملکرد، گفته می‌شود، درصد سرمایه‌گذاری دولتی که به وسیله پسانداز در حساب جاری تأمین مالی گردیده است، می‌باشد. بانک مخالف هزینه‌های جاری زیاد دولت، به ویژه هزینه‌های اداری و سایر رشته‌های غیرمولد مانند مسکن می‌باشد. بانک روی بازده مالی مؤسسات دولتی بخصوص مؤسساتی که به آنها قرض می‌دهد، تأکید بسیار دارد و امکان دارد تقاضا کند که

این مؤسسات قیمت‌ها را افزایش داده یا گروهی از کارکنانشان را اخراج نمایند^{۱۹}، تا کمک مالی دولت به آنها کاهش یابد. بانک به توسعه و پراکندگی صادرات کشور علاقمند است. از نظر تئوری، فلسفه بانک بیشتر از صندوق که با مسائل مربوط به تراز پرداختها سروکار دارد، انبساطی است، اما گاه نیز بانک شاید شدیدتر از صندوق برای اعمال سیاستهای ضد تورمی به کشور کمک‌گیرنده فشار می‌آورد^{۲۰}. بانک بیش از صندوق به نحوه رفتار با بخش خصوصی، به ویژه سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی و توانایی دولت در بازپرداخت وامها چه از نظر خود بانک چه از نظر وام‌دهندگان گذشته‌آتی و به علت حمایت اساسنامه بانک از جریان سرمایه‌گذاری بین‌المللی، توجه دارد^{۲۱}.

مؤسسه توسعه بین‌المللی باید اصلاحاتی را که دولت ایالات متحده آمریکا در همکاری برای پیشرفت متعهد گردید، پشتیبانی نماید، در نظر گیرد. توجه به تعهدهای ایالات متحده آمریکا به وسیله این مؤسسه روز به روز کاهش می‌یابد اما در اوایل دهه ۱۹۶۰ مؤسسه به کشورهای کمک‌گیرنده برای ایجاد سیستم پیشرفته‌تر مالیات، اصلاحات ارضی و غیره فشار می‌آورد. هنوز هم پاره‌ای از تعهدات ایالات متحده آمریکا برای مثال: در زمینه آموزش و پرورش در نظر گرفته می‌شوند اما نقش اساسی در تقاضاهای مؤسسه از کشورهای کمک‌گیرنده بازی نمی‌کنند. مؤسسه بین‌المللی

توسعه، اگرچه در پاره‌ای اوقات از حذف کنترل‌های ارزی اظهار ناخشنودی کرده است، اما به ویژه به برنامه‌های آزاد ساختن واردات علاقه‌مند است هرگاه با حذف کنترل‌های ارزی مخالفت داشته است این بدان علت بوده است که حذف این کنترلها تضمین این مسئله که کمک صرف وارد کردن کالا از آمریکا گردد، را مشکل می‌نموده است. علاوه بر این، مؤسسه بین‌المللی توسعه، غالباً در جهت منافع پاره‌ای از شرکتهای آمریکایی که در کشور کمک‌گیرنده شعبه تأسیس نموده‌اند، صادرکنندگان آمریکایی یا، شرکتهای آمریکایی که بازارشان در کشور کمک‌گیرنده به وسیله کشورهای در حال توسعه مورد تهدید واقع شده به کشورهای کمک‌گیرنده فشار آورده است^{۲۲}. در کشورهایی که به علل "امنیتی" ایالات متحده آمریکا می‌خواهد از دولت بخصوص حمایت نماید، از مؤسسه توسعه بین‌المللی انتظار می‌رود که هنگام ارزیابی عملیات دولت این مسئله را نیز در نظر گیرد، امکان دارد از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز خواسته شود که در شرایطی که برای حمایت از ارائه کمک تقاضا کرده‌اند، تجدیدنظر نمایند. با کنار گذاشتن عوامل سیاسی مانند مسائل فوق، در مورد "عملکرد مناسب" دولت‌ها در امریکای لاتین نظرات هر مؤسسه وام‌گیرنده را به طور کلی می‌توان از دیگران متمایز نمود. مؤسسات بین‌المللی ارجحیتهای فعلی خود را با اشاره به مسائل فوری و فوری آمریکای

ما باید دریابیم که برنامه‌های کمک اقتصادی ما، ما را به چه هدفهای سیاسی می‌تواند برساند. کمک یک وسیله برای توسعه اقتصادی در بلندمدت است و وسیله‌ای برای بدست آوردن دوستی سایرکشورها نمی‌باشد. ما ازاینکه به دوستانمان کمک اقتصادی اعطا می‌کنیم، خشنودیم. اما باید بدانیم که فقر در دنیایی که در آن ثروت در حال افزایش است، ایجاد نارضایتی و ناآرامی می‌کند، برای از بین بردن این ناآرامی و نارضایتی‌ها، توسعه سیاسی و اقتصادی بهترین وسیله می‌باشد. ما باید حاضر باشیم تا دانش و ثروت خود را برای افزایش نرخ رشد و تقویت ثبات کشورهای در حال توسعه از طریق افزایش رفاه مادی توده مردم در این کشورها، تقسیم نماییم.

۴- اثر این نظم و دیسیپلین به تذکر مداوم به کشور در حال توسعه در مورد تعهد پرداخت وام بستگی دارد.

۵- این باعث می‌گردد تا طرحهایی که نیاز بیشتری به واردات از خارج دارند انتخاب گردند. رجوع شود به:

The Tying of Aid and the Problem of Local Costs

نگارش Juliet Clifford در Journal of Development studies
ژانویه ۱۹۶۶

۶- ارتباط دادن کمک به طرحها، بخصوص هنگامی که تنها هزینه ارزی مستقیم طرح به وسیله کمک تأمین می‌شود معایب دیگری نیز دارد، یکی از این معایب احتمال سرمایه‌بر، واردات برتر کردن طرح است که این الگوی واردات را بهم زده و از ظرفیت جاری اقتصاد حداکثر استفاده نمی‌شود.

۷- بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و مؤسسه توسعه بین‌المللی ایالات متحده آمریکا برای مثال در کوبا، برزیل، آرژانتین و هائیتی بدین شکل عمل کرده‌اند.

۸- این کار را بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و مؤسسه بین‌المللی توسعه آمریکا در مورد برزیل انجام دادند.

۹- این کار در مورد شیلی در سالهای اول حکومت دولت فری و سایر کشورها انجام شده است.

۱۰- رجوع کنید به نطق ایروینگ. س. فریدمن در سمیناری که به وسیله چهار تن از مقامات بانک جهانی برای اقتصاددانان برزیل برپا شد. این نطق در نشریه بانک جهانی به نام

Some Aspects of the Economic Philosophy of the World Bank

چاپ سپتامبر ۱۹۶۸ نیز آمده است وی می گوید:

آنچه برای من تعجب آور است، این است که هم بانک جهانی و هم صندوق بین المللی پول با هدفها و مقاصد مشخصی بوجود آمده اند که براساس آن اگر قرار است این دو مؤسسه به طور مطلوب عمل کنند باید در زمینه های بخصوصی از مسئولیتهای بین المللی قضاوت اقتصادی داشته باشند. این قضاوتها باید بر تحلیلهای عینی اقتصادی پایه گیرند. این دو نهادهای سیاسی نمی باشند. این دو مؤسسه، به عنوان مؤسسات فنی پایه گذاری شدند و از آغاز تشکیلشان بر نیاز به بررسی اقتصادی برای تصمیم گیری هایشان تأکید بسیار شده است.

۱۱- رجوع کنید به Pledged to Development

نگارش John White

چاپ انستیتوی توسعه ماورای بحار سال ۱۹۶۷ به ویژه صفحات ۱۸۰ - ۱۸۶

وی پیشنهاد می کند، که وظیفه کمک دهندگان باید مخالفت صادقانه باشد و کمک دهنده نباید قانون و مقررات وضع کند، بلکه باید مسائل تازه و انتخابهای جدید را گوشزد سازد. رجوع کنید به: The Aid Relationship نگارش Andrzej Krassowski چاپ انستیتوی توسعه ماورای بحار سال ۱۹۶۸.

به ویژه فصل اول. وی از سیاستهای جاری مؤسسه بین المللی توسعه ایالات متحده آمریکا بر این اساس که برای کنترل سیاستهای اقتصادی کشور کمک گیرنده بسیار کوشش می کند، انتقاد می نماید.

۱۲- صندوق بین المللی پول، عموماً "بک مؤسسه" کمک دهنده محسوب نمی گردد، و منطق فعالیتهای وی با منطق فعالیتهای بانک جهانی؛ مؤسسه بین المللی توسعه تفاوت دارد. اما فعالیتهای این سه مؤسسه در زمینه کمک مشابه می باشد.

۱۳- رجوع شود به: Effective Aid چاپ مؤسسه توسعه ماورای بحار چاپ ۱۹۶۶ و به کتابهای مذکور در زیر نویس ۱۱.

رجوع شود به: United States Foreign Aid in Action: A Case Study

گزارشی که سناتور ارنست گرونینگ به کمیته فرعی هزینه های کمک، خارجی سنای آمریکا در سال ۱۹۶۶ ارائه کرده به ویژه به صفحات ۱۰۲ - ۱۱۴

رجوع شود به The Scaffolding of Aid نگارش M. Heffman در Asian Review شماره آوریل ۱۹۶۸.

- رجوع شود به: World Bank's Mission in Eastern Africa
 نگارش David 6 ordon در نشریه Finance and Development شماره ۱ سال ۱۹۶۸
 رجوع شود به: Sterling - Dollar Diplomacy
 نگارش Richard Newton Gardner چاپ Clarendon Press آکسفورد سال ۱۹۵۶
 Public International Levding for Develoment و
 نگارش Raymand. F. Mikasell چاپ Random House نیویورک ۱۹۶۶
 و: The Colombia-- IMF disagreement of November - December 1966
 An Interpetation of its Place in Colambian Politics,
 نگارش Richard L Maullin چاپ Rand Coporation
 El Fonds Mometario Internacional, mecanismo de sus operaciones
 y Posicion de la Republica Argentina
 نگارش Marta L uisa Benovente در Revista Trimestral
 شماره ژوئیه و سپتامبر ۱۹۶۶ Banco Central de la Republica Argentina
 نگارش Neil. H. Jacoly U.S. Aid to Taiwan
 The Age of Imperialism: The Economic of US Foreign Policy
 نگارش Harry Magdoff انتشارات Monthly Review
 نگارش Edward S. Mason Foreign Aid and Foreign Policy
 چاپ نیویورک ۱۹۶۴
 ۱۴- رجوع کنید به انتشارات مؤسسه توسعه ماورای بحار در زیر نویس ۱۱
 رجوع کنید به: The Teaching of Development Economic:
 Its Position in the Present State of Knowledge
 مقالات ارائه شده به کنفرانس آموزش توسعه اقتصادی در منچستر سال ۱۹۶۷.
 به ویراستاری John Knapp, Kurt Martin
 و به مقاله The Limitation of the Special Case

نگارش Dudley Seers

در کتاب: Towards a Strategy for Development Cooperation

که مجموعه مقالات کنفرانس راجع به توسعه آسیا در هلند می باشد.

و Essays in International Finance

شماره ۶۹ ژوئیه ۱۹۶۸ چاپ دانشگاه پرینستون

نگارش M. Bird Albert O. Hirschman

۱۵- رجوع کنید به

Asian Drama: An Inquiry into the Poverty of Nation

نگارش Gunnar Myrdal چاپ ۱۹۶۸

۱۶- به علت دلایل تمرکز روی این سه مؤسسه و کنار گذاردن سایر مؤسساتی که در این سیستم امریکایی عمل می کنند.

گزارش سالانه بانک جهانی برای سال ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶ اشاره می کند که: بانک و صندوق بین المللی پول برای توسعه همکاریهای خود در مورد دریافت، مبادله و ارزیابی اطلاعات درباره عملکرد اقتصادی، راهنمایی کشورهای عضو در مورد مسائل مربوط به سیاستهای اقتصادی تدابیر عملی جدیدی اندیشیده اند. مقامات صندوق در عملیات کمیته اقتصادی بانک مشارکت دارند.

۱۷- رجوع شود به کتاب Hirschman در زیرنویس ۱۴

وی در صفحه ۶ این کتاب نوشته است:

تعهدات یک کشور کمگیرنده... عموماً به شکل زیر است: افزایش سرمایه - گذاری و کاهش مصرف، افزایش سهم بخش خصوصی و کاهش سهم بخش دولت، کاهش ارزش پول و تغییر رابطه نسبی قیمتها در داخل کشور، کاهش نرخ تورم و محدود کردن منافع گروهی که باید از تورم، توسعه اعتبارات و افزایش قیمتها در آینده سود بگیرند.

۱۸ - برای درک ارجحیتهای بانک ، رجوع کنید به مشاهدات در قضاوت عملکرد

منتشر شده به وسیله بانک جهانی در Supplementary Financial Measures (بررسی انجام شده به تقاضای کنفرانس سازمان ملل متحده درباره توسعه و بازرگانی در سال ۱۹۶۴ ، انتشار یافته به وسیله بانک بین المللی توسعه و ترمیم در سال ۱۹۶۵) این مطلب با پیشنهاد زیر پایان می گیرد :

در پاره‌های حالات از یک سری شاخصهای ساده برای ارزیابی عملکرد کشور می توان استفاده نمود . این شاخصها بر کوششهای کشور در تجهیز و بهره‌برداری از منابع و اثر آن روی نرخ رشد اقتصادی تأکید دارند .

در زیر به پاره‌های از این شاخصها اشاره می شود : نسبت درآمد مالیاتی به تولید ملی ناخالص ، نسبت پس انداز عمومی به کل درآمد دولت ، نسبت پس انداز کل به تولید ملی ناخالص نسبت سرمایه‌گذاری مولد (بجز ساختمانهای دولتی غیر ضروری) به تولید ملی ناخالص ، نرخ رشد تولید ملی ناخالص .

در یکی از نشریات اخیر بانک Invings. Friedman پس از توصیف ویژگیهای عمومی بانک و صندوق بین المللی پول می نویسد :

چه فرقی صندوق بین المللی پول با بانک جهانی دارد؟ مهمترین تفاوت مسئله ، ارجحیتهای هنگام اخذ تصمیم است . در بانک جهانی ما هر چه می توانیم برای افزایش نرخ رشد و توسعه انجام می دهیم ، ما هیچ مسئولیتی دیگری نداریم . توسعه برابر با افزایش ظرفیت تولیدی و افزایش کارایی اقتصادی است . هنگام قضاوت درباره مسائل مانند عملکرد ما سیاستهای اقتصادی کشور را با توجه به اثری که روی سرمایه‌گذاری ، پس انداز و رشد دارد - به طور خلاصه روی توسعه کشور دارد - ارزیابی می کنیم . ما باید از سیاستهای پولی و مالی نرخ ارز ، برنامه‌های سرمایه‌گذاری ، برنامه‌ریزی ، بازرگانی خارجی و سایر مسائل مطلع گردانیم . باید از خود بپرسیم اینان چه مفهومی برای اقتصاد دارند و چگونه در اقتصاد این کشور عمل خواهند کرد .

۱۹ - شاید بسیار قابل توجه آرزانترین می باشد که در سال ۱۹۶۷ بانک جهانی پافشاری می نمود که باید ۷۰۰۰۰ نفر از راه آهن اخراج گردند .

۲۰ - این مسئله را می توان با مقایسه گزارشهای سال ۱۹۶۶ بانک و صندوق در مورد شیلی دریافت . در مورد پرو و کلمبیا نیز بانک بیشتر از صندوق تصور می کرد که کاهش ارزش پول ضرورت دارد .



۲۱ - یک سند داخلی بانک به نام Policy Memorandum 204 اظهار می‌دارد که بانک به کشورهایی که قادر به بازپرداخت وامها نبوده‌اند یا داراییهای خارجی را ملی کرده‌اند (بدون پرداخت غرامت) یا به موافقت‌نامه‌هایی که سرمایه‌گذاران خارجی داشته‌اند، احترام نگذارده‌اند (موافقت‌نامه‌ها درباره مالیات) وام نخواهد داد. مفاد این بخشنامه درباره کشورهای مصر، برمه، سیلان، عراق، اندونزی، برزیل، کوستاریکا و گواتمالا اجرا شده است. (بانک دلایل دیگری نیز برای وام ندادن به این کشورها داشته است.) اخیراً نیز این بخشنامه در مورد کشور پرو که پاره‌ای از داراییهای شرکت بین‌المللی نفت ایالات متحده آمریکا را ملی کرده است، اعمال گردیده است.

۲۲ - برای مثال از تهدید قطع کمک در اختلاف بر سر صدور قهوه قابل حل که سهم بزرگی از بازار ایالات متحده آمریکا به خود اختصاص داده بود، استفاده شد.

۲۳ - هریشمن (در (Foreign Aid - A Critique and a Proposal) نظری دیگر دارد:

این حقیقت که پاره‌ای از تعهدات کمتر عملی می‌باشند و بنابراین کمتر می‌توان به آنان صدمه زد، طبیعتاً باعث می‌گردد که مذاکره‌کنندگان این تعهدات را ترجیح دهند. بنابراین با توجه به این مسئله ما می‌توانیم تمایل روزافزون برای وابسته کردن برنامه‌های کمک را به سیاستهای بخصوص پولی و نرخ ارز و رفتار مناسب پاره‌ای از شاخصهای پولی و مالی و تمایل کاهش‌یابنده به وابسته ساختن برنامه‌های کمک به رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی که هدف اصلی کمک می‌باشند را توضیح دهیم.

